خبر

پیام تبریک به محمد رسول‌اف

• **گروه هنر:** پس از اهدای جایزه «خرس طلایی» جشنواره فیلم برلین به فیلم «شیطان وجود ندارد»، کانون کارگردانان خانه سینما در بیانیه‌ای کسب این جایزه را به محمد رسول‌اف و عوامل فیلم تبریک گفت. متن پیام این است: «کسب مهم‌ترین جایزه یکی از معتبرترین جشنواره‌های جهانی برای یک فیلم‌ساز ایرانی و اعلام نام پرافتخار ایران غرورآمیز است. کانون کارگردانان سینمای ایران با نهایت افتخار جایزه خرس طلای برلین برای فیلم شیطان وجود ندارد را به محمد رسول‌اف، عوامل سازنده فیلم و خانواده سینمای ایران تبریک گفته و همچنان آرزو دارد در کنار تداوم افتخارات سینماگران این مرز و بوم، مشکلات و موانع فیلم‌سازی برای همگان رفع و هموار گردد». همچنین «خانه سینما» در پی اعطای جایزه خرس طلایی به محمد رسول‌اف، پیام تبریکی را ارسال کرد.

بازگشایی مجدد موزه هنرهای تجسمی معاصر بانک پاسارگاد

• **گروه هنر:** «تماشاگه هنرهای تجسمی معاصر» بانک پاسارگاد به‌زودی در آیینی بازگشایی می‌شود. علی‌اکبر امین‌تفرشی، مدیر ارشد اجرائی موزه بانک پاسارگاد، با اعلام این خبر گفت: «تماشاگه هنرهای تجسمی معاصر بانک پاسارگاد با توجه به اتمام مدت قرارداد از میانه پاییز امسال از مؤسسه فرهنگی هنری صبا نقل مکان کرده و با هدف رونق‌افزایی به محیط فرهنگی و هنری کشور، به‌زودی در یک فضای زیبای تاریخی و فرهنگی دایر می‌شود». امین تفرشی افزود: «بانک و گروه مالی پاسارگاد برمبنای تعهد اجتماعی خود و با همراهی شایان توجه هنرمندان ارزنده کشور، توانسته‌اند گنجینه‌ای فاخر و ارزشمند گرد هم آورند که غنای تاریخی و فرهنگی مثال‌زدنی درباره هنر مدرن و معاصر ایران را دارد». او تأکید کرد: «یکی از جدی‌ترین اهداف تأسیس موزه هنرهای تجسمی معاصر بانک پاسارگاد علاوه‌بر حمایت از هنر و هنرمندان ایران‌زمین، کمک به اشاعه مفهوم اقتصاد هنر و راه‌اندازی تماشاگهی دائمی بود تا هنردوستان، دانشجویان رشته‌های هنر، شهروندان و میهمانان خارجی بتوانند مجموعه تقریبا کاملی از آثار هنری معاصر ایران را زیر یک سقف مرور کنند و بسیار خرسندیم از سال ۱۳۸۷ این مهم را ممکن کرده‌ایم». امین تفرشی با اعلام این نکته که در سال‌ها و ماه‌های اخیر هم گنجینه موزه بانک پاسارگاد با خرید آثار بسیار شاخص و شاهکارهای هنری جدید، غنی‌تر و جذاب‌تر شده است، اعلام کرد: «عملیات بهسازی و آماده‌سازی محل جدید استقرار موزه، در حال انجام است و محیط نمایشی استانداردی را که شایسته مردم ایران و هنر ایران باشد، تدارک دیده‌ایم که امیدواریم در قالب یک افتتاحیه باشکوه درهای این مجموعه ارزشمند به روی هم‌وطنان عزیز و فرهیخته و اهالی فرهنگ و هنر گشوده شود». گفتنی است در این گنجینه حدود ۶۰۰ قطعه اثر هنری مدرن و معاصر وجود دارد.

ستاد ملی مدیریت «کرونا» یا ستاد بحران «خانه سینما»؟

راه‌حل کدام است؟

امیر اثباتی

خلاصه درخواست مکتوب رؤسای ۲۳ صنف خانه سینما از رئیس هیئت‌مدیره این نهاد که در نامه‌ای سرگشاده منتشر شد، پیگیری برای صدور دستور توقف سریع تمام پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی ازسوی ستاد ملی مدیریت بیماری کروناست. به نظر نمی‌رسد ستادی که در سطح ملی جز اعلام تردیدبرانگیز آمار مبتلایان و قربانیان بیماری کرونا فعالیت چندانی در زمینه آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی به‌ویژه در حوزه‌های تخصصی انجام نداده، بتواند به‌منظور حل مسئله مورد نظر سینماگران نقش مؤثر و سریعی ایفا کند. تعداد زیادی از همکاران ما هر روز در محیط کار خود در معرض خطر ابتلا به این بیماری هستند.

متأسفانه درخواست اخیر مدیران اصناف و اطلاعیه چند روز پیش خانه سینما هر دو ناقص هستند. همان‌طور که در اطلاعیه خانه سینما تصریح شده، توقف پروژه‌های سینمایی یا تلویزیونی الزام قانونی ندارد. امضاکنندگان درخواست و صادرکنندگان اطلاعیه به این احتمال فکر نکرده‌اند که صاحبان و تهیه‌کنندگان برخی پروژه‌ها به هر دلیل زیر بار این الزامِ ظاهرا غیرقانونی نروند؟ به این فکر نکرده‌اند که ممکن است روند صدور دستور از سوی ستاد ملی به کندی انجام شود؟ در این صورت چه باید کرد؟ یا در واقع چه باید می‌کردند؟ آیا ضروری نبود و نیست که با تشکیل هرچه سریع‌تر ستاد بحران، مستقیما به چاره‌جویی برآیند و اقدامات فوری و لازم در شرایط اضطراری را آغاز کنند و منتظر تجدیدنظر تهیه‌کنندگان یا دخالت مسئولان دولتی نشوند؟ هر روز که بگذرد به حساب سهل‌انگاری و اتلاف وقت از سوی مسئولانِ صنفی گذاشته می‌شود. خانه سینما باید علاوه‌بر اقداماتی که احتمالا تا کنون انجام داده چهار مورد زیر را به‌فوریت در دستور کار قرار دهد:

۱- تشکیل ستاد بحران

۲- گردآوری اطلاعات درباره پروژه‌های در حال فیلم‌برداری

۳- آموزش مراقبت‌های ویژه بهداشتی متناسب با محیط کار فیلم‌سازی در مرحله تولید و نظارت بر رعایت هر روزه آن

۴- آموزش مسائل حقوقی مرتبط با این‌گونه شرایط به عوامل تولید.

طبیعی است نیرو و توان اجرائی مدیریت خانه سینما نمی‌تواند در این شرایط ملتهب و پیچیده، به‌تنهایی از پس تمامی وظایفش برآید و نیازمند نیروی کمکی ورزیده، کارشناس (سینمایی و غیرسینمایی) و مجرب است. یکی از اشکالات همیشگی خانه سینما نداشتن اطلاعات به‌روز از فعالیت‌های جاری سینمایی -و تلویزیونی- در کشور بوده است. اولین گام برای رصد اوضاع واقعی موجود و برقراری ارتباط با پروژه‌ها، اطلاع از تعداد و مشخصات آنهاست.

مهم‌ترین و فوری‌ترین مسئله، فقدان هرگونه منبع و مرجعی برای آگاهی از دستورالعمل‌های ایمنی و بهداشتی در محیط کار فیلم‌سازی است. درحالی‌که جزوه‌های آموزشی متعدد و متنوعی برای محیط‌های کاری دیگر و برای مشاغل مختلف تدوین شده، در مورد فیلم‌سازی هیچ متنی تا به‌حال تهیه نشده و در دسترس نیست. علت آن هم در ماهیت غیرصنعتی سینمای ایران است و البته سهل‌انگاری همه مدیران و مسئولان سینمایی، چه دولتی و چه غیردولتی. به‌هرصورت در شرایط این روزها باید در ستاد مذکور با کمک کارشناسان بهداشت محیط کار، متناسب با شرایط و ویژگی‌های حرفه‌های مختلف فیلم‌سازی، دستورالعمل‌های ضروری و اولیه، فراتر از آموزش‌های همگانی بهداشتی، برای پیشگیری از ابتلای سینماگرانِ حاضر در صحنه‌های تولید و فیلم‌برداری تهیه و اطلاع‌رسانی شود؛ از طریق سایت خانه سینما و برقراری ارتباط مستقیم با مدیران پروژه‌ها. همچنین لازم است سازوکار نظارتی ویژه‌ای هم طراحی و اعمال شود. در مورد مسائل و تعهدات تهیه‌کنندگان و همچنین برای کمک به حل مشکلات مالی عواملِ حاضر در پروژه‌ها در شرایط اصطلاحا فورس‌ماژور (اضطراری)، نیاز به حضور و مشاوره یک کارشناس حقوقی آشنا به مسائل فیلم‌سازی به‌شدت حس می‌شود. چه‌بسا از این طریق بتوان با تهیه‌کنندگان و عوامل تولید به راه‌حل‌های معقول و منطقی که به‌نفع هر دو طرف باشد، رسید. نزدیکی نوروز و گرفتاری‌های مالی بسیاری از کارکنان کم‌درآمد سینما را نیز در نظر بگیریم.

امیدوارم ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا که مدیر سابقش اعتقادی به قرنطینه نداشت ولی خودش ناگزیر از قرنطینه شخصی شد، هرچه سریع‌تر با پیگیری‌های مدیریت خانه سینما، دستور توقف کلیه پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی را صادر کند و این دستور اجرا شود. اما شاید درست نباشد که فقط به این امید اکتفا کنیم و منتظر بمانیم.

نگاه «خانه سینما» به بحران «کرونا»

گروه هنر: رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما با تأکید دوباره بر تعطیلی پروژه‌های تولیدی فیلم درپی انتشار ویروس کرونا گفت: «البته برخی پروژه‌ها ازجمله سریال‌های نوروزی که باید برای پخش آن ایام آماده شوند، ممکن است نتوانند اما خواهشمندیم گروه‌هایی که نمی‌توانند پروژه‌هایشان را تعطیل کنند، تمهیداتی بیندیشند تا گروه‌ها در آرامش روانی کار کنند». همایون اسعدیان در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به اقدامات خانه سینما برای مقابله با ویروس «کرونا» یادآور شد: «هفته گذشته با شیوع ویروس کرونا، خانه سینما اطلاعیه داد و از پروژه‌های تولیدی خواهش کرد که اگر می‌توانند پروژه‌های خود را تعطیل کنند که البته طبعا این درخواست الزام قانونی نداشت و یک خواست صنفی بود، اما پس از انتشار آن اطلاعیه،۲۳ صنف خانه سینما به هیئت‌مدیره نامه نوشتند که شرایط کاری در این مقطع سخت است و درخواست تعطیلی پروژه‌ها را مطرح کردند». او ادامه داد: «به‌هرحال خوب می‌دانیم، کنترل گروه‌های۵۰، ۶۰ نفره در یک فضای محدود کمی سخت است و به تبع درخواست صنوف؛ خانه سینما در نامه‌ای که به وزیر ارشاد داد و رونوشت آن به وزیر بهداشت، رئیس سازمان صداوسیما، ستاد بحران کرونا و... ارسال شد، تقاضا کردیم گروه‌های فیلم‌برداری در مقطع فعلی فراموش نشوند».

رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما با تاکید دوباره بر تعطیلی پروژه‌هایی که می‌توانند تعطیل کنند، خاطرنشان کرد: «به‌هرحال برخی پروژه‌ها هستند که بنا به دلایلی ازجمله سریال‌ها که برای پخش نوروزی آماده می‌شوند، نمی‌توانند تعطیل کنند اما در این شرایط می‌توان به این پروژه‌ها کمک کرد؛ ازجمله اینکه پزشکی همراه گروه باشد و گروه فیلم‌برداری را چک کند و مواد ضدعفونی‌کننده به اندازه کافی در اختیار این گروه‌ها قرار بگیرد تا گروه در شرایط امن روحی و روانی بتواند کار خود را انجام بدهد». اسعدیان گفت: «آن‌طور که رصد کردیم حدود ۱۷پروژه تله‌فیلم، فیلم سینمایی و سریال در حال تولید است، دوباره تاکید می‌کنم که نمی‌گویم باید تعطیل کنند اما خواهشمندیم آنهایی که شرایطش را دارند تعطیل کنند، در غیر این صورت شرایط امنیت روحی و روانی را برای گروه فراهم کنند». او همچنین از اقدامات دیگر خانه سینما برای مبارزه با شیوع ویروس «کرونا» خبر داد و گفت: «خانه سینما کلیپ‌هایی آموزشی ساخته است که در فضای مجازی منتشر شده و امروز همان‌طور که متن آن منتشر شده است، اطلاعیه‌ای دادیم و از تیم‌های پزشکی قدردانی کردیم و اگر فرصتی باشد با حضور برخی هنرمندان از تیم‌های پزشکی در برخی بیمارستان‌ها قدردانی می‌کنیم، البته می‌دانیم شرایط پیچیده‌ای است و این امکان کمتر فراهم است». رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما با بیان اینکه برنامه‌های دیگری هم در این زمینه داریم که به مرور اطلاع‌رسانی خواهد شد، در پایان گفت: «ما امیدواریم به عنوان تشکل صنفی سینما، در چند ماه آینده که جامعه دچار این بحران است، حداقل نقش اجتماعی‌مان را ایفا کنیم و خوب می‌دانیم که این بحران عمومی است و جامعه ایران در همه ابعاد دچار آن شده است بنابراین نیاز به یک عزم ملی و همدلی داریم و خوب می‌دانیم هیچ دولتی نمی‌تواند به‌تنهایی کاری را پیش ببرد، مگر اینکه خود مردم بخواهند».

طعم زندگی از پس مرگ

• **سعید احمدی‌پویا:** نیچه یکی از اصول اساسی فاصله هرمنوتیک را به این صورت بیان می‌کند: «هر وقت می‌خواهی درباره چیزی بدانی و قدر و اندازه آن را محاسبه کنی، باید حداقل یک لحظه، از آن جدا شوی. به عنوان نمونه برای درک عظمت یک شهر، باید شهر را ترک کنید. برای درک درست یک موضوع، نیاز است از آن فاصله گرفته شود. برای ارزیابی زندگی نیز باید حتی برای یک لحظه از آن جدا شد؛ دیگر نیاز نیست در انتظارِ پایان بود که درک مختصات پایان در همین نقطه صورت خواهد گرفت». روایت فیلم «جهان با من برقص» رسیدنِ جهان، شخصیت اول فیلم، به همین نقطه است. جهانگیر یا جهان که اسمش کنایتی است به روایت داستان، آگاه شده که دیگر زمانی با مرگ فاصله ندارد و دارد از این زندگی و از این جهان جدا می‌شود. هر لحظه و هر ساعتی که می‌گذرد، تمام شخصیت‌ها و تمام هستی به مرگ خویش نزدیک می‌شوند اما این «جهان» است که به این آگاهی و این نقطه جدایی از زندگی رسیده و در حال ارزیابی زندگی و جهان پیرامون خویش است. برادر «جهان» برای اینکه از شدت اندوه جهان بکاهد و این روزهای پایانی را برایش لذت‌بخش کند، رفقای جهان را به خانه و پناهگاه جهان دعوت و او را در موقعیتی عجیب درگیر می‌کند. موقعیتی که کارگردان برای شخصیت اول فیلم خلق کرده، سبب می‌شود که جهان نتواند در این لحظات آخر در پیله تنهایی خویش محبوس شود. او ناخواسته در جمع شاد دوستانش قرار می‌گیرد که دوست دارند محیط شادی برای جهان بسازند. اما جهان حالش خوب نیست و برای فرار از هیاهو و همهمه دوستانش به طویله پناه می‌برد. طویله، مکانی است که مانند یک «شخصیت» در فیلم حضور دارد. کنایه از خلوت جهان است که با تنهایی خودش درگیر می‌شود؛ با دوست صمیمی‌اش که یک گاو است، درددل می‌کند. «جهان» تصور می‌کند هیچ کسی جز همین گاو و یک خر، او را نمی‌فهمند و با آنها حرف می‌زند. نکته طنز این فیلم این است که هر زمان شخصیت اول فیلم در اندوه موقعیت غرق می‌شود، با یک بزنگاه طنز، فضای فیلم را عوض می‌کند، به عنوان نمونه ورود سرزده دوستان جهان به طویله و تعجب از اینکه چرا جهان انتظار دارد هنگام ورود به طویله، در بزنند! و البته از نگاه رفقا، این مکان طویله است و از دید جهان، حریم خلوت خود. مواجهه «جهان» با این موقعیت، او را با چالش بزرگی درگیر می‌کند. او توقع دارد مرکز توجه باشد و همه بفهمند او دارد زندگی را از دست می‌دهد. اما همه درگیر زندگی خود هستند، می‌خندند و جهان با این واقعیت تلخ روبه‌رو می‌شود که بعد از او زندگی ادامه خواهد داشت و تنها فقط این لحظه یا سال دیگر همین موقع است که او حضور ندارد و از اینکه رفقایش نگران فقدان او نیستند، آزار می‌بیند. نقطه اوج این چالش هنگامی است که متوجه می‌شود خودکشی دخترش به خاطر او نبوده و به خاطر کسی بوده که جهان ذره‌ای به او اهمیت نمی‌داد و این نکته، جهان را به بن‌بست کامل می‌رساند. پس از این چالش، دگرگونی شخصیت اول فیلم آغاز می‌شود و یاد می‌گیرد انتظارش را از آدم‌های پیرامونش منطقی کند. جهان از مرحله «انکار» به مرحله «پذیرش» می‌رسد و می‌پذیرد که زندگی پس از مرگ او ادامه دارند و آدم‌های پیرامونش، حق زندگی و شادبودن دارند و همه باید در مینی‌بوس قرمزرنگی که در میان پلان‌ها می‌آید و می‌رود، سوار شوند و به دیار دیگر بروند؛ این دگرگونی سبب می‌شود که بتواند از لحظات آخر زندگی‌اش لذت ببرد و ارزش زندگی و لذت‌بردن از زندگی را به حلقه رفقایش یاد دهد. رفقای «جهان»، هر کدام شخصیت‌هایی هستند که چالش‌های بسیار در زندگی دارند و آمدند تا حال جهان را خوب کنند، اما حال خودشان خراب است؛ همه آنها، به نوعی در تنهایی خویش غرق شدند و در چالش با سویه تاریک زندگی هستند؛ به عنوان نمونه، احسان به زندگی مشترکش با نسیم پایان داده است، اما ازدواج نسیم با رفیق صمیمی‌اش، فرخ را نمی‌پذیرد. احسان اعتقاد ندارد رابطه‌ای که تمام شد، دیگر تمام شده؛ او اعتقاد دارد که هیچ چیز، هیچ وقت تمام نمی‌شود. برای همین است که پرخاش می‌کند و تنهایی خودش را فریاد می‌زند. فرخ و نسیم هم در این موقعیت، آزار می‌بینند و شاد نیستند. حمید، رفیق دیگر که نماد عیش مدام است و در هر مواجهه‌ای، همسر جدیدش را که ۱۸ سال کوچک‌تر از خودش است، معرفی می‌کند، می‌داند که همسرش برای کارخانه و ثروتش، او را انتخاب کرده با این حال ترجیح می‌دهد در لحظه لذت ببرد و شاد باشد اما با کوچک‌ترین تلنگری، او هم فرو می‌ریزد. حمید در بزم صمیمانه رفقا می‌گوید: «چرا ما این‌جوری شدیم؟ چرا دیگه مثل قدیم شاد نیستیم؟» این دیالوگ، برشی موجز به درون شخصیت‌هایی است که پس از سال‌ها زندگی در کنار همدیگر، دیگر در کنار هم حالشان بهتر نمی‌شود و نیاز به یک دگرگونی دارند تا زاویه نگاهشان به زندگی تغییر کند. تمام شخصیت‌های فیلم برای دگرگونی حال شخصیت اول فیلم جمع شدند، اما نقطه عطف فیلم این است که جریان برعکس می‌شود و موقعیت، دگرگونی و روایت جهان است که حال رفقایش را دگرگون می‌کند. جهان تعریف می‌کند: «زمانی برای خانه‌ام پولی از دوستی قرض کردم، وقتی خواستم پولش را برگردانم گفت: این قرض توست برای دیگری» و حال جهان، لذت‌بردن از زندگی را به دوستانش قرض می‌دهد. یکی از تمهیدات کارگردان برای رنگ‌آمیزی فضای اندوهناک روایت، اضافه‌کردن وجوه سوررئال به روایت فیلم است که فضای کار را متفاوت می‌کند؛ به عنوان نمونه کارگردان برای ترسیم فضای ذهنی جهان در چالش با این موقعیت، در نماهایی گروه موسیقی آورده که به تناسب حال جهان، نواهای مختلف می‌نوازند و با زبان موسیقی، آشفتگی درون جهان را به مخاطب منتقل می‌کند. یکی دیگر از تمهیدات کارگردان، ارجاعات مکررش به فیلم‌های سینمای جهان و سینمای ایران است که برای مخاطب فیلم‌بین بسیار لذت‌بخش می‌نماید؛ صحنه- تابلوی «شام آخر» داوینچی، «آگراندیسمان» آنتونیونی یا فیلم «گاو» مهرجویی؛ تمام این تمهیدات به کار گرفته شده‌اند تا شخصیت اول فیلم که تماشاگر با آن همذات‌پنداری می‌کند، با واقعیت دهشتناک و تاریک مرگ مواجه شود و آن را بپذیرد. «تارکوفسکی» در فیلم «ایثار» می‌گوید: «مرگ وجود ندارد، تنها ترس از مرگ وجود دارد». از همان ابتدای زندگی بشر این ترس همراه انسان بوده است. روایت فیلم، تحولی در نگاه جهان به «مرگ» ایجاد می‌کند که در پایان روایت، مونولوگ کلیدی فیلم را می‌گوید: «شاید مرگ را دوست نداشته باشم اما دیگر از آن نمی‌ترسم» و این قدرت پذیرش «جهان» است که سمفونی مرگش را باشکوه می‌نوازد و همه رفقایش را در پلان پایانی، به رقص و پایکوبی وا می‌دارد. طعم زندگی، آخرین یافته جهان است که از پس مرگ به آن رسیده و به عنوان آخرین یادگاری، به رفقایش و مخاطبان روایتش هدیه می‌دهد.

تحلیل فیلم

بودن همان ادراک شدن است

• **تارا استادآقا:** در پیچ و خم کوچه‌های یخ‌زده و برف‌آلود مرده، دو زن که یکی مبتلا به کاتاتونیاست و دیگری ولعی مالیخولیایی به تولید فرزند دارد، در مرداب زندگی فقیرانه‌شان در حال دست‌وپازدن هستند. فیلم«دیلاق» بالاکوف برخلاف شیوه معمول فیلم‌هایی با مضمون تأثیرات مخرب جنگ که با کشتار خونین و بمباران شیمیایی، گورهای دسته‌جمعی و سایه‌های تاریک نازیسم و فجایعشان همراه است، ریشه‌های نهیلیستی‌اش را در بیماری شخصیت اصلی ایبا (کاتاتونیا) که از عوارض PTSD و نوعی اسکیزوفرنی است که در جبهه‌های جنگ به آن مبتلا شده، می‌کارد تا دگرگشی و مرگ به شکلی غیرمستقیم با مضمون نفرت‌انگیز جنگ مطرح شود.

علاوه بر پیرنگ اصلی ماجرا که بر قصه ایبا و ماشا استوار است، خرده‌پیرنگ مرد افلیج و مرگ خودخواسته‌اش که به دگرکشی ایبا می‌انجامد نیز واقعه دهشتناک و تلخ دیگری را رقم می‌زند که پیامدهای غیرمستقیم و شوم جنگ را بر بستر خود برجسته می‌کند. دگرکشی و سایه منحوس مرگ این بار در «دیلاق» نه به دست دشمنان بلکه به شکلی تلخ‌تر و آشنایی‌زدایی‌شده به دست افرادی خودی به وقوع می‌پیوندد که خود قربانی تراژدی جنگ و سرشار از عشق و گرمای بی‌شائبه زندگی هستند. در «دیلاق» همواره با فضای هولناک جنگ و وقایع بعد از مرگ کودک معصوم ماشا، (پاشکا) به شکل فضای خارج از قاب مواجهیم. ترفندی که تأثیر شدید، عذاب‌آور و تهدیدآمیز جنگ را بیش از پیش آشکار می‌کند. بعد از مرگ پاشکا و ورود شخصیت محوری ماشا به داستان، سوگواری‌های معمول در فضای خارج از قاب فیلم و در زمینه‌های نامرئی که دیده نمی‌شود، پنهان می‌ماند و تلاش مالیخولیایی ماشا را برای به‌دست‌آوردن فرزندی دیگر شاهدیم. گویی جان یک انسان زنده تنها تا زمانی مهم و در ارجحیت است که می‌تواند زندگی‌بخش زندگی ازدست‌رفته و سقوط‌کرده دیگری باشد. آنچه در فضای خارج از قاب اتفاق می‌افتد و دیده نمی‌شود، هولناکی تصاویر ایبا و معصومیت کودکانه و دروغین چهره ماشا را در فرمی دیالکتیک آشکار و واقعیت کاذب را دچار استحاله می‌کند. تصویری ناقص‌الخلقه و معیوب از فرزند که توسط مادرانی تاریک در زرورقی سبز و سرخ به مخاطب اهدا می‌شود. در واقعه هولناکی که بر ایبا (ویکتوریا میروشنیچنکو) و پاشکا می‌گذرد، ویژگی مهم تأثر-حرکت سینمایی در جهان فیلمیک «دیلاق» رخ می‌دهد: ادراک خود، توسط خویشتن خویش. این ادراک بی‌پرده و در نهایت خلوص خود از خویشتن، تنها ادراکی است که تا پایان عمر ادامه دارد و مهیب‌ترین نوع ادراک است. ادراکی که ایبا در اوج کاتاتونیای روانی‌اش به آن دست می‌یابد، غنیمتی تاریک از جهنم جنگ است که نصیبش شده است. ادراکی که او را ناخواسته به دگرکشی سوق می‌دهد و در ادامه با مرگ استپان، دیگر مجروح جنگی، در مفهومی دیالکتیک و خودخواسته به نوعی ژوئیسانس اخلاقی بدل می‌شود. بعد از کشمکش‌های فراوان بین ماشا و ایبا برای احیای فرزند ازدست‌رفته، ایبا هر چه می‌کند نمی‌تواند نطفه دیگری در زهدانش بپروراند و ماشا را صاحب فرزند دیگری کند. او آنچنان در اعماق لایه‌های درونی‌اش به ادراک خود از خویشتن وجودی‌اش واقف است که ناخودآگاه تنها می‌تواند در کسوت یک دگرکش ظهور کند نه یک زاینده و به همین دلیل است که فیلم بالاکف تا انتها در تلاشی عبث برای خلق موجودی معنابخش عقیم می‌ماند. در شخصیت‌پردازی ماشا (واسیلیسا پرلیژینا) با شیوه‌ای از شخصیت‌پردازی شخصیت‌هایی مواجهیم که بی‌شک بیمارند و به شکلی تهاجمی و حریصانه مبتلا به زندگی‌اند. شخصیت‌هایی سرشار از زندگی که کمابیش تولد یک گونه انسان‌شناختی جدید را نشانه می‌روند. این مهم‌ترین ویژگی ادراک-تصویر سینمایی است که به فیلم‌ساز اجازه می‌دهد روان‌نژندی شخصیت‌هایش را در ابتذال و توحش موجود در پست‌ترین موضوعات داستانی پرورش دهد؛ در حالی که هم‌زمان شخصیت در نوعی آگاهی شاعرانه ناب غوطه‌ور است. درخواست حریصانه ماشا برای به‌دست‌آوردن فرزند که هم جنس مخالف را درگیر می‌کند و هم جنس موافق را و تشکیل خانواده‌ای نامتعارف که در پایان عقیم فیلم، جا خوش می‌کند؛ مؤلفه‌های انسانی وجودداشتن یک انسان را به مثابه ارزش‌داشتن وجود فردی خویشتن شخص تا جایی زیر سؤال می‌برد که عاقبت، هر دو زن ماجرای فیلم را سترون و تهی می‌کند. جابه‌جایی امر اصیل با امر مبتذل، امر زیبا با مدفوع که از پسامدهای غیرمستقیم رکود، تجاوز و ویرانی بعد از جنگ است چون تار عنکبوتی زهرآگین شخصیت‌های فیلم را در خود فرو می‌برد تا فرم روایی فیلم به فرمی ملموس و دهشتناک بدل شود. فرم بصری «دیلاق» اما تجربه‌ای پاته‌تیک و متفاوت است. فضاسازی نمادین با رنگ‌های مکمل سبز و قرمز که محتوای مرده و یخ‌زده روایت را در کارکردی گرم و پرشور به امید و عشق پیوند می‌دهد و به حس‌آمیزی تازه‌ای منجر می‌شود. نوعی تحول که از پس رکود و تیرگی می‌آید و ماهیتی انقلابی و متحول‌کننده دارد. پاته‌تیک وامدار نوعی خودآگاهی روشن نسبت به ارگانیسم اجتماعی جامعه و تاریخ آن است. برخلاف فرم بصری پرشور فیلم که با فیلتر زردرنگ قابل قبولی مؤلفه‌های پاته‌تیک فیلمیک را پررنگ می‌کند، در پایان با سترونی ریشه‌داری مواجهیم که واقعیت اجتماعی محتوم جهان پس از جنگ را نشانه می‌رود.

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم صدیقه عظیمی طبق وکالتنامه شماره ۱۱۸۰۶۹ مورخ ۹۷/۳/۲ دفتر ۵۰ تهران از طرف مهدی غلامی طی وارده ۱۳۹۸۸۵۶۰۱۰۴۵۰۳۵۷۵۹ مورخ ۹۸/۹/۶ با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی که گواهی امضای شهود آن طی شماره ۳۵۸۵۵و۳۵۸۵۶ مورخ ۹۸/۹/۴ دفتر اسناد رسمی ۹۰۴ تهران ثبت گردیده است مدعی است که سند مالکیت شش دانگ آپارتمان به شماره ۳۶۲۶۸ فرعی از۲اصلی مفروز و مجزا شده از ۲۰۲۲ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۷ واقع در بخش ۱۰ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک رودکی تهران استان تهران به مساحت ۶۶.۰۶ متر مربع به انضمام پارکینگ به مساحت ۱۱ متر مربع بنام مهدی /غلامی بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان عرصه و اعیان ، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۷۰۷۵۶ سری ج سال ۹۱ که در صفحه ۱۶۰ دفتر املاک جلد ۱۵۲ ذیل شماره ۲۰۹۶۸ ثبت گردیده است محدودیت دفتر املاک: مازاد دارد رهنی شماره ۱۵۵۲۰ مورخ ۹۶/۱۰/۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۹۲ شهر تهران استان تهران که بنفع بانک ملی شعبه مصلی کد ۹۷۵ به مبلغ ۵۰۳/۶۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۱۰ سال ثبت شده رهنی شماره ۱۵۵۱۹ مورخ ۹۶/۱۰/۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۹۲ شهر تهران استان تهران که بنفع بانک ملی شعبه مصلی کد ۹۷۵ به مبلغ ۷۶۱/۸۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۱۰ سال ثبت شده بعلت جابجایی مفقود گردیده است لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضا مدت مذکور و عدم هر گونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود . م الف ۲۱۰۱۶ مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران

آگهی ابلاغ اجرائیه وفق ماده ۱۹ آئین نامه اجرا

بدینوسیله به ۱- عالیه تکند ۲- امیر تکند۳- عارفه تکند۴- شهربانو کاظمی ۵- رفیع تکند وراث (رحیم تکند) به نشانی تهران شهرک اکباتان فاز یک بلوک B۳ ورودی ۱۴ شماره ۴۷۷ ابلاغ میگردد خانم شهربانو کاظمی به استناد سند ازدواج شماره ۵۵۱۸-۸۵/۱۰/۲۵ دفتر ازدواج شماره ۲۲۶ تهران جهت وصول ۵ عدد سکه طلای یک بهار آزادی علیه مورث شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۴۳۹۴در این اداره تشکیل شده و درجریان است لذا با توجه به اینکه ابلاغ اجراییه به شما در آدرس متن سند میسر نشده مراتب از طریق درج در روزنامه به شما ابلاغ میگردد مقتضی است حداکثر ظرف۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی نسبت به پرداخت بدهی مورث خود اقدام نمائید در غیر اینصورت عملیات اجرائی علیه شما ادامه خواهد یافت .

م الف ۲۱۰۰۸رئیس اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران

آگهی ابلاغ اجرائیه طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی

بدینوسیله به آقای محمد تقی نوروزی نام پدر قربانعلی تاریخ تولد ۶۲/۱۲/۷ شماره ملی ۰۰۶۰۵۰۹۰۰۷ شماره شناسنامه ۴۲۴۸۱ به نشانی تهران سهروردی شمالی -۱پ۱-ط۱ و ۱ ابلاغ میشود که آقای محمد جواد تقوی فرد نام پدر حسین تاریخ تولد ۷۱/۳/۱۷ شماره ملی ۰۴۸۰۴۴۵۳۶۲ شماره شناسنامه ۰۴۸۰۴۴۵۳۶۲ برای وصول چک به شماره ۷۲۱۸۳۹ تاریخ چک ۹۸/۶/۳۱ عهده بانک توسعه تعاون شعبه قرنی به مبلغ ۵۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال علیه شما اجرائیه صادر و پرونده اجرایی به کلاسه ۹۸۰۳۸۷۵در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۸/۱۰/۱۰ مامور اداره پست محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده و بستانکار هم نمی تواند شما را جهت ابلاغ واقعی معرفی نماید لذا به موجب تقاضای وارده شماره ۱۴۰۴۸۵۴۰ مورخه ۹۸/۱۱/۲۰ بستانکار و طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ اجرائیه محسوب است ظرف ۲۰روز از پرداخت بدهی خود اقدام ننمائید عملیات اجرائی جریان خواهد یافت .

م الف ۲۱۰۰۹ اداره چهارم اجرای اسناد رسمی تهران

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به ۱- نرگس سادات محمود زاده حسینی اصالتا از طرف خود و قیمومتا از طرف فراز حسن زاده نمین ۲- مارال حسن زاده نمین همگی وراث مرحوم حسین حسن زاده نمین به نشانی تهران میرداماد اطلسی پلاک ۸ طبقه اول ابلاغ میگردد خانم نرگس سادات محمود زاده حسینی جهت وصول تعداد ۱۴عدد عدد سکه طلای بهار آزادی به انضمام حقوق دولتی به موجب سند ازدواج شماره ۶۸۷۷-۷۷/۷/۲۰ دفتر ازدواج شماره ۳۰۰ تهران علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۵۶۳۵ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مامور مربوطه ابلاغ واقعی بشما میسر نشده است و بستانکار هم نتوانسته شما را معرفی نماید و آدرس فعلی شما نیز برای این اداره مشخص نمی باشد لذا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی میشود و چنانچه ظرف ۲۰ روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننماید عملیات اجرائی ادامه خواهد یافت . م الف ۲۱۰۱۰اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران